

سال نو

امیرفیض-حقوقدان:

مانده ام به ایرانیانی که سی و دو سال است درسنگر مبارزه مجازی، تظاهر به مبارزه میکنیم بمناسبت سال نو تبریک بگویم و اگر نگویم چه خواهند گفت، مانده ام سال نورا عید بگیرم و اگر بگیرم، عید شمامبارکباد راباچه رونی به همسنگرانم بگویم.

عید به معنای بازگشت است، از آنجاکه شادبودن، خوب زیستن و سربلند بودن حق مسلم انسان ها و آنهم از حقوق بنیادی است ایرانیان هر موفقیتی را که برای خودشان و یادیگران حاصل میشود مقید به تبریک میدانند.

تبریک، به معنای دعا کردن و خواستن افزونی ها و موفقیت و شادی هائی است که در گذشته نصیب کسی شده است بنابراین همانطور که موفقیت ها تبریک پذیر است معلوم است تبریک گفتن به کسی که مشکلاتش هر روز بیشتر و افق پیروزی و خوشبختی از او گریزان میشود تبریک گفتن نه موجه نیست که بسیار نامانوس و غیر قابل انتظار هم میباشد به کسی که فرزند گمشده اش رایافته تبریک مناسب است ولی به کسی که فرزندش در اسارت دشمن است که نمیتوان تبریک گفت.

مادر سال گذشته کدام موفقیت و پیروزی را در مبارزه ای که آنرا مافوق هر فعالیت میدانیم داشته ایم که تکرار آنرا بایمان تبریک خواستار گردیم.

نگرانی از آینده کشور که به مجرای تجزیه کشیده میشود زندگی مرگبار هموطنان مادر داخل کشور، بی اعتباری و تضییع آبروی ایرانیان در جهان، سلب آزادی های دلبخواهی حکومت از مردم و فعالیت های اجتماعی آنها، انزوای بین المللی و تحریم های بین المللی، ترک تازی سران جمهوری اسلامی بمناسبت نبود قدرت نهادی مقابل، آشفتگی در باصطلاح مبارزه علیه رژیم غاصب، ترلزل فکری و اعتقادی نسبت به حقانیت تداوم سلطنت، بی رهبری و فرار از تکالیف ملی موقعیتی که اعلیحضرت برخلاف قانون و سنت ایرانی برای خودشان قائل شده اند، نادیده گرفتن سوگند سلطنت و تکالیفی که قانون و سنت و فرهنگ ایرانی برای ایشان مقرر کرده ست، بی اعتنائی به سلطنت طلبان و طرد آنان به کرات، دعوت به دخالت بیگانگان در امور ایران، و سال گذشته مانند سی سال گذشته کار مثبتی نکردن جز تکرار مرثیه خوانی و بالاخره هم مبارزه را پیوند دادن به اسرائیل و آمریکا و امثال آنها کجایش موفقیت و پیروزی و شادی است که روی آنرا داشته باشیم که افزونی آنرا برای همسنگران خود بخواهیم و به آنها تبریک بگوئیم؟

شاهد مقصود

یک میهن پرست کانتیکاتی در سال ۱۷۷۵ در جریان جنگ های استقلال آمریکا نوشته است:

«غروب چهارشنبه گذشته شماری از بانوان و آقایان در محلی بنام <ایست فارمز> در کانتیکات گرد آمده بودند و در آنجا به سرگرمی های غیر ضروری پرداخته و خود را بایک لیوان شراب خوب شادمان ساخته بودند چنین سرگرمیها تفریح هارابه

سختی میتوان درهرموقعی توجیه کرد اما درچنین روزی که همه چیز پیرامون ما جنبه تهدید کننده دارد آنان میبایست از این کاردوری کنند وهرانسان خوبی باید نفوذش را درجهت سرکوبی این کارها بکاراندازد» (کالبد شکافی ۴ انقلاب)

این تحریر میگوید؛ نمیتوان به مبارزین علیه جمهوری اسلامی وحقانیت رژیم برحق سلطنت مشروطه تبریک گفت البته که میتوان به کسانی که عزای ایران راندارند ویا برای بازگشت پیروز مندانه سلطنت مبارزه جدی نمیکند تبریک گفت.

ایرانیان قدیم که پاسداران میراثهای کهن ملی مابودند براین باوراستواری تام وتمام یافته بودند که وقتی ایران از پادشاهی تهی بود جشن وسرور وتبریک به یکدیگرراپر خود حرام میدانستند که حکیم فردوسی ازاین سنت مردانه وایرانی چنین یادکرده است:

نشست و سخننامه یاد کرد

یکی نامه سوی برادر به درو

نه هنگام پیروزی و فزونی است

که این خانه از پادشاهی تهی است

**

*